

تحلیل اقتصادی مبانی مسئولیت مدنی در حوادث دو جانبه

رضا خودکار*

پرویز رحمتی**

تاریخ پذیرش: 1391/11/30

تاریخ دریافت: 1391/9/28

چکیده

قواعد مسئولیت مدنی از دیدگاه‌های گوناگونی به چالش کشیده شده است؛ در این نوشتار این قواعد از دیدگاه تحلیل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. از منظر تحلیل اقتصادی قواعد و نهادهای حقوقی باید کارایی داشته باشد، قاعده مسئولیت در صورتی کارایی دارد که هزینه‌های اجتماعی را کاهش داده و تا حد امکان از وقوع حادثه جلوگیری نماید. در اینجا کارایی قاعده مسئولیت محض، تقصیر و شقوق مختلف آن دو بر اساس نظریه بازی و دیدگاه اقتصادی استاندارد تولید (دیدگاه نئوکلاسیک) بررسی گردیده است. شایان توجه است که مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی نوشته شده است.

واژه های کلیدی: تحلیل اقتصادی - نظریه بازی - دیدگاه اقتصادی استاندارد تولید - مسئولیت محض - تقصیر.

rezakhodkar@gmail.com

* کارشناس ارشد حقوق اقتصادی

** دانشجوی ارشد حقوق اقتصادی

1- مقدمه

می‌توان گفت بنیادی‌ترین موضوع در زمینه مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت مدنی است؛ در حقیقت پیش از پرداختن به هر موضوع دیگری باید به این پرسش اساسی پاسخ گفت که مبنای مسئولیت مدنی چیست؟ پاسخ به پرسش مزبور از آن جهت حائز اهمیت است که یافتن شخص مسئول بدان وابسته است؛ به دیگر سخن تعیین شخصی که ملزم به جبران خسارت است به مبنایی که برای مسئولیت مدنی برگزیده می‌شود، بستگی دارد. علاوه بر این، مبنایی که برای مسئول شناختن انتخاب می‌گردد اثر تعیین کننده‌ای در بار اثبات دعوا دارد؛ اگر پذیرفته شود که مبنای مسئولیت تقصیر است بار اثبات دعوا بر دوش زیان دیده قرار دارد؛ به دیگر بیان اگر مبنای مسئولیت تقصیر باشد زیان دیده می‌بایست تقصیر عامل زیان را اثبات نماید تا عامل زیان مسئول شناخته شود، در حالی که اگر برای مسئول شناختن مبنای دیگری انتخاب شود ممکن است وضع تغییر کند؛ بدین معنا که عامل زیان مسئول شناخته شود مگر آن که دلیلی بر عدم مسئولیت خود ارایه نماید. نکته مهم دیگر در این زمینه عوامل رافع مسئولیت است. مبنای مسئولیت مدنی مهم‌ترین معیار در تشخیص عوامل رافع مسئولیت است. اگر تقصیر مبنای مسئولیت به شمار آید قوه قاهره رافع مسئولیت است؛ در حالی که در مسئولیت مطلق قوه قاهره نیز رافع مسئولیت نمی‌باشد و عامل زیان در هر حال مسئول است. درباره مبنای مسئولیت مدنی دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است؛ با این وجود می‌توان نظریه تقصیر و خطر را مهم‌ترین نظریات ارائه شده در مسئولیت مدنی به شمار آورد.¹ دو نظریه پیش گفته از جهات گوناگون به چالش کشیده شده‌اند اما در این نوشتار تلاش شده است تا از دید تحلیل اقتصادی حقوق به بررسی آن‌ها پرداخته شود.

به منظور بررسی شایسته مسئله ابتدا باید انواع حوادث را شناسایی نمود. حوادث زیان‌بار را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم نمود (Miceli, 1997:16):

1997:16)

نخست: حوادث یک جانبه و سطوح احتیاط: منظور از حوادث یک جانبه آن دسته از حوادث است که تنها احتیاط و پیش بینی آسیب رسانندگان بر خطرهای حادثه اثرگذار است و رفتار قربانیان تأثیری ندارد. برای مثال زمانی که هواپیمایی بر روی ساختمانی سقوط می‌کند و موجب بروز خسارت می‌شود، حادثه موصوف ماهیتاً یک جانبه به شمار می‌آید؛ چرا که اصولاً زیان‌دیدگان به منظور جلوگیری از وقوع خسارت نمی‌توانسته اند اقدامی به عمل آورند. در حوادث یک جانبه علاوه بر توجه به سطوح احتیاط، ممکن است سطوح فعالیت نیز مد نظر قرار گیرد؛ برای مثال زمانی که یک شخص مشغول رانندگی است تعداد مایل‌هایی که فرد رانندگی کرده است به منزله سطح فعالیت اوست.

دوم: حوادث دو جانبه و سطوح احتیاط: منظور از حوادث دو جانبه آن دسته از حوادثی است که آسیب رسانندگان و زیان دیدگان می‌توانند با رعایت احتیاط و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از وقوع حادثه جلوگیری به عمل آورند یا خطرات حادثه را کاهش دهند. در حوادث دو جانبه نیز می‌توان سطوح مختلف فعالیت را تصور نمود. در این جا فرض می‌شود که زیان دیدگان سطوح مختلفی از فعالیت را اتخاذ می‌نمایند و افزایش سطوح فعالیت زیان دیدگان، همانند زیان رسانندگان، دست کم تا حدی باعث افزایش مطلوبیتشان شده و به افزایش متناسب زیان‌های مورد انتظار ناشی از حادثه منتهی خواهد شد.

نکته دیگری که در اینجا باید بدان توجه داشت مسئله اجتناب کننده با هزینه کمتر است. نظریه اجتناب کننده با هزینه کمتر در وضعیت‌هایی اعمال می‌شود که اگر هر یک از آسیب رسانندگان یا زیان‌دیدگان احتیاط نمایند، خطر حادثه از بین خواهد رفت و در نتیجه به احتیاط هم‌زمان نیازی نیست. برای مثال فرض نمایید زیان رسانندگان بتوانند با رعایت احتیاطی که معادل 10 واحد هزینه در بردارند از وقوع حادثه‌ای که در بردارنده زانی معادل 100 واحد است، جلوگیری نمایند و جلوگیری از همان حادثه برای زیان دیدگان 20 واحد هزینه در برداشته باشد. در این جا آسیب رسانندگان باید به تنهایی اقدامات احتیاطی به عمل آورند؛ چرا که

بدین ترتیب هدف اجتماعی به حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی مطلق حاصل می‌شود.

اجتناب کننده با هزینه کمتر از فرض حوادث دو جانبه خارج است؛ زیرا در حالت اخیر احتیاط هم‌زمان زیان زننده و زیان دیده لازم است، در حالی که در مسئله اجتناب کننده با هزینه کمتر نیازی به احتیاط هر دو طرف نیست و برای نیل به نتیجه مطلوب اجتماعی احتیاط شخصی که هزینه کمتری متحمل می‌گردد، کافی است (Faure, 2009:16).

بدون تردید بررسی همه جانبه نظریات تقصیر، خطر و شقوق مختلف آن دو از حوصله نوشتار پیش رو خارج است و تحقیق مفصلی در این زمینه طلب می‌کند. در حقیقت کارایی نظریه تقصیر، خطر و شقوق مختلف آن دو را می‌توان در هر یک از فروض پیش گفته مورد بررسی قرارداد؛ لکن چنین بررسی وسیعی از حوصله نوشتار پیش رو خارج است. در این نوشتار به بررسی نظریات تقصیر، خطر و شقوق مختلف آن دو در حوادث دو جانبه و سطوح احتیاط پرداخته می‌شود و در اینجا به منظور سهولت بررسی و تصمیم‌گیری شایسته از در نظر گرفتن سطوح مختلف فعالیت چشم‌پوشی می‌شود. به منظور بررسی دقیق موضوع باید از پیچیده شدن مباحث جلوگیری به عمل آید و تنها باید بر روی قواعد مسئولیت تمرکز شود. برای نیل بدین مقصود باید به حذف برخی از پیچیدگی‌ها اقدام نمود. به همین جهت در این تحلیل فرض بر این است که دادگاه‌ها در هنگام تصمیم‌گیری مرتکب اشتباه نمی‌شوند و هزینه‌هایی که دادگاه‌ها متحمل می‌شوند نادیده گرفته می‌شود. به علاوه فرض می‌شود که زیان‌های وارده به طور کامل جبران می‌شود. همچنین در تحلیل ارایه شده رابطه سببیت در نظر گرفته نشده است (Brown, 1973:327)².

نوشتار حاضر به دو مبحث تقسیم گردیده است. در مبحث نخست به دو موضوع پرداخته شده است: ابتدا راجع به اهداف مسئولیت مدنی از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق توضیحاتی ارایه شده است؛ بررسی اهداف مسئولیت مدنی در اخذ نتیجه‌گیری حائز اهمیت است؛ چرا که تحلیل اقتصادی حقوق در پی یافتن قاعده

ایست که به تحقق اهداف آن منتهی شود. (گفتار نخست) در گام بعد می‌بایست به بیان مبانی تحلیل حاضر اقدام نمود: دو اصلی که تحلیل ارایه شده بر مبنای آن قرار گرفته است، عبارت از نظریه بازی و نظریه اقتصادی استاندار تولید³ (دیدگاه نئوکلاسیک) است. (گفتار دوم) در مبحث دوم قواعد مسئولیت مدنی در حوادث دو جنبه مورد مقایسه قرار می‌گیرد. بخش پایانی این نوشتار به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

2. اهداف و مبانی تحلیل اقتصادی

در این مبحث ابتدا اهداف تحلیل اقتصادی بررسی می‌شود؛ سپس به بیان مبانی تحلیل پرداخته می‌شود.

2-1. اهداف تحلیل اقتصادی

به طور کلی می‌توان سه هدف برای مسئولیت مدنی از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق بیان نمود:

2-1-1. هدف اقتصادی مسئولیت مدنی

هدف اقتصادی مسئولیت مدنی عبارت است از درونی کردن هزینه‌ها (miceli, 1997:15) در حقیقت تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی را وسیله‌ای می‌داند که می‌تواند موجب شود زیان رساننده هزینه‌هایی را که به جهت فعالیت زیان بار، بر دیگران تحمیل می‌نماید، درونی سازد. از این رو قاعده مسئولیت در صورتی کارآمد است که برای عامل زیان به منظور به حداقل رساندن حوادث و هزینه‌های ناشی از آن، اقدامات پیشگیرانه به لحاظ هزینه‌ای-توجیه پذیر، به کار بندد. نیل به این هدف منوط به الزام زیان رساننده به جبران کامل خسارات زیان دیده است (Zheng, 2001:157).

2-1-2. بازدارندگی

دیدگاه سنتی در زمینه مسئولیت مدنی تنها به جبران خسارت زیان دیده توجه دارد؛ لکن تحلیل اقتصادی حقوق بر خلاف دیدگاه سنتی آینده نگر است؛ بدین معنا که در پی وضع قاعده ایست که از وقوع خسارت و حادثه در آینده جلوگیری به عمل آید. بنابراین هرچند در این دیدگاه نیز جبران خسارت زیان دیده مد نظر قرار می‌گیرد و به جبران کامل خسارت حکم می‌شود، هدف اصلی و غایی جلوگیری از وقوع حادثه زیان بار در آینده است. در واقع تحلیل اقتصادی بدنبال فراهم نمودن انگیزه ایست که اشخاص را به گونه‌ای به اتخاذ اقدامات پیشگیرانه تشویق نماید که موجب شود در آینده حادثه زیان‌باری به وقوع نپیوندد (Faure, 2004: 39).

2-1-3. هدف اجتماعی

هدف دیگر مسئولیت مدنی که از آن به هدف اجتماعی تعبیر می‌شود، عبارت از به حداقل رساندن هزینه‌های احتیاط و هزینه‌های مورد انتظار است. به دیگر سخن تحلیل اقتصادی درصدد کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های اجتماعی مطلق است. (Shavell, 2007: 7 & 10) (Shavell, 2004: 178 & 182) با عنایت به مطالب بالا می‌توان گفت تحلیل اقتصادی در پی یافتن قاعده‌ای کارآمد است؛ منظور از قاعده کارآمد، قاعده ایست که انگیزه‌های لازم را برای اتخاذ تدابیر پیشگیرانه‌ای که هزینه‌های اجتماعی کل را به حداقل می‌رساند، فراهم کند (Faure, 2004: 171).

2-2. مبانی تحلیل

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، تحلیل حاضر بر مبنای نظریه بازی و نظریه اقتصادی استاندارد تولید (دیدگاه نئوکلاسیک) ارائه شده است:

1-2-2. نظریه بازی

نظریه بازی حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی بین عوامل عقلانی می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه تنها به راهبرد انتخاب شده توسط خود وی بلکه به راهبرد انتخاب شده توسط بازیگران دیگر نیز بستگی داشته باشد. به دیگر بیان در نظریه بازی تصمیم‌گیری کارگزارانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد که چگونگی تصمیم آن‌ها به اتخاذ تصمیم و رفتار دیگر رقبا بستگی دارد. هر جا زمینه ارتباط و تصمیم‌گیری متقابل فراهم باشد، نظریه مزبور قابل استفاده است. به عبارت کلی‌تر هرگاه تصمیم یک شخص منوط به چگونگی تصمیم‌گیری شخص یا اشخاص دیگری باشد، زمینه کاربرد نظریه موصوف وجود دارد.

برای توصیف دقیق نظریه بازی باید 3 عنصر مهم شناسایی شود:

1. بازیگرها؛

2. استراتژی‌ها (راهبردهای هر بازیگر)؛ و

3. پیامدهای اتخاذ تصمیم نهایی نسبت به هر بازیگر

زندگی روزمره مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به مذاکرات تجاری بین دو کشور، جنگ تبلیغاتی بین دو شرکت رقیب، پیشنهاد و رد ازدواج بین یک زن و مرد و ... اشاره کرد. در نظریه بازی باید به مفهوم تعادل نش⁴ توجه داشت (دادگر، اخوان هزاوه، 59:1389). منظور از تعادل نش وضعیتی است که تغییر راهبرد تا زمانی که بازیگر دیگر راهبرد خود را تغییر نداده است، نفعی ندارد. بهترین مثال برای نشان دادن تعادل نش تعیین قیمت محصول در بازار است. نکته قابل توجه در این جا این است که وضعیت تعادلی موصوف همواره کارآمد نیست؛ در واقع وضعیت تعادلی زمانی کارآمد است که تعادل مزبور به سود طرفین بازی و رفاه جامعه باشد؛ مانند مثالی که ذکر گردید. لکن در مواردی که وضعیت تعادلی به سود یکی از طرفین و به زیان جامعه و طرف دیگر باشد، تعادل بدست آمده کارآمد نیست؛ مانند بازی آلودگی محیط

زیست یا مسابقه تسلیحاتی که در آن رقابت بین تولید کنندگان به زیان کشورها، مردم و مصرف کنندگان است.

کاربرد این نظریه در حقوق بسیار قابل توجه است؛ زیرا در این علم اغلب با موقعیت‌هایی مواجه می‌شویم که در آن اتخاذ تصمیم یک طرف منوط به تصمیم طرف دیگر است: از جمله زمینه‌های کاربرد این تئوری ارایه یا عدم ارایه اطلاعات از سوی مقامات انتظامی و قضایی به متهم پرونده است.

در نظریه بازی اشکال مختلفی وجود دارد، لکن آنچه باید در این جا مورد اشاره قرار گیرد دو استراتژی همکارانه و غیر همکارانه است: استراتژی زمانی همکارانه است که بازیگران در جهت حفظ منافع همه تلاش نمایند و غیر همکارانه زمانی است که هر فرد به دنبال حداکثر سازی منافع خود باشد. می‌توان پذیرفت که در مسئولیت مدنی نظریه بازی با استراتژی غیر همکارانه مطرح است؛ چرا که در این جا هر یک از طرف‌های حادثه زیانبار در صدد رهایی خود از بار مسئولیت است و بنابراین به دنبال حداکثر سازی منافع خود می‌باشد.

2-2-2. نظریه اقتصادی استاندارد تولید (دیدگاه نئوکلاسیک)

چهارچوب اقتصاد نئوکلاسیک را می‌توان چنین خلاصه نمود: خریداران تلاش می‌نمایند تا نفعشان از به دست آوردن کالاها را به حداکثر برسانند و این کار را با افزایش خریدهای خود از یک کالا تا جایی انجام می‌دهند که آنچه آن‌ها از یک واحد اضافه بدست می‌آورند با آنچه آن‌ها باید از آن صرف نظر نمایند تا آن واحد اضافه را بدست آورند، موازنه شود. به این ترتیب آن‌ها مطلوبیت خود را به حداکثر می‌رسانند. عرضه نیروی کار نیز به همین صورت انجام می‌پذیرد؛ بدین معنا که اشخاص هنگام عرضه نیروی کار خویش منافی را از ارایه واحد نهایی خدماتشان بدست می‌آید با عدم مطلوبیت حاصله از ارایه کردن نیروی کار خود یا از دست رفتن فراغت موازنه می‌نمایند: یعنی تا جایی به عرضه نیروی کار خود می‌پردازند که بین موارد پیش گفته موازنه برقرار گردد. تولید کنندگان نیز تلاش

می‌نمایند واحدهای کالاهای خود را به گونه‌ای تولید نمایند که هزینه تولید یک واحد بیشتر با درآمد حاصل از آن موازنه شود؛ بدین ترتیب بنگاه‌های اقتصادی به حداکثر سازی سود خود مبادرت می‌نمایند. در استخدام نیروی کار نیز به همین شکل عمل می‌شود؛ یعنی تا جایی نیروی کار استخدام می‌نمایند که هزینه استخدام اضافی آن‌ها با ارزش محصولی که نیروی کار اضافی تولید می‌کند، موازنه شود.

در نظریه اقتصادی استاندارد تولید چند فرض اساسی وجود دارد:

1. افراد ترجیحات عقلانی میان نتایج (پیامدها) دارند؛
2. افراد مطلوبیت و بنگاه‌ها سود را به حداکثر می‌رسانند؛ و
3. افراد به طور مستقل و بر اساس اطلاعات کامل و مرتبط عمل می‌نمایند (میرجلیلی، 1387:122).

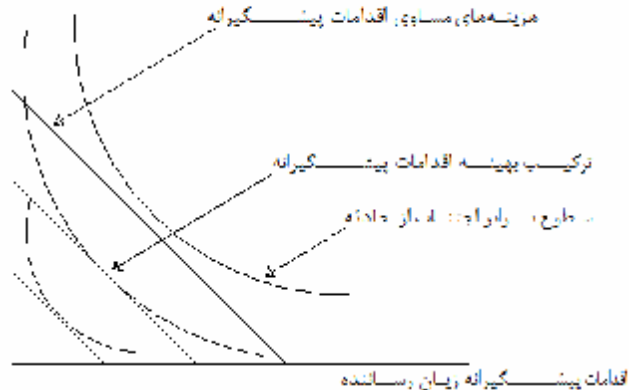
3. بررسی قواعد مسئولیت مدنی

در این گفتار با عنایت به مطالب پیش گفته باید به مقایسه قواعد مسئولیت مدنی و تأثیر آن‌ها بر تحقق اهداف مسئولیت مدنی پرداخته شود. به منظور مقایسه قواعد مسئولیت مدنی و تأثیر هر یک بر تحقق اهداف مسئولیت مدنی، باید با دو مفهوم اقدام پیشگیرانه اقتصادی و حد مطلوب رفاه اجتماعی آشنا شد و سپس به مقایسه قواعد مسئولیت مدنی پرداخت. همان طور که اشاره شد در این نوشتار نظریه تقصیر، خطر و شقوق مختلف آن ارزیابی می‌گردد؛ لیکن پیش از بررسی قواعد مذکور باید قاعده عدم مسئولیت نیز مورد بررسی قرار گیرد.

اقدام پیشگیرانه اقتصادی: نخستین مطلبی که باید بدان توجه داشت این است که ماهیت اقدام پیشگیرانه اقتضا دارد سطحی از اقدام پیشگیرانه پیش از وقوع حادثه اتخاذ شود، به علاوه به طور معمول اقدام پیشگیرانه پیش از آن که از وقوع حادثه آگاه باشیم یا بدانیم طرف دیگر حادثه چه شخصی است، اتخاذ می‌گردد. اقدام پیشگیرانه‌ای که یکی از طرفین حادثه اعمال می‌نماید، دربردارنده‌ی دو ویژگی است: نخست آن که درجه آن به میزان اقدام پیشگیرانه‌ای که طرف دیگر اتخاذ

می‌نماید منوط است؛ در حقیقت اگر یکی از طرفین اقدام پیشگیرانه را در عالی‌ترین سطح خود اتخاذ نماید، طرف دیگر انگیزه‌ای برای اتخاذ اقدام پیشگیرانه ندارد. دومین ویژگی اقدام پیشگیرانه این است که در شرایط عدم اطمینان اتخاذ می‌گردد. یک شخص زمانی به اتخاذ اقدام پیشگیرانه مبادرت می‌نماید که از وقوع حادثه و سطحی از اقدام پیشگیرانه که طرف دیگر لحاظ می‌کند، آگاهی ندارد. به همین جهت برای تحلیل می‌توان از نظریه تئوری بازی‌ها استفاده نمود. به علاوه همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، به منظور تشخیص اقدام پیشگیرانه اقتصادی، از نظریه اقتصادی استاندارد تولید استفاده می‌شود. به بهترین بیان اقدام پیشگیرانه زمانی در سطح مطلوب قرار دارد که به احتمال قوی از وقوع حادثه جلوگیری نماید. در موارد استاندارد تولید، پرهیز از حادثه مستلزم دو اقدام پیشگیرانه است که یکی از اقدامات مذکور در کنترل زیان رساننده و دیگری در کنترل زیان دیده است؛ نظریه نئوکلاسیک تولید تحت این فرض که تولید نهایی مثبت و کاهنده است توسعه می‌یابد و قیمت هر اقدام پیشگیرانه ثابت فرض می‌شود. بدین ترتیب هر شخصی می‌تواند ترکیبی کارآمد از دو اقدام پیشگیرانه برای تولید هر سطح خاصی از اجتناب از حادثه تعیین کند. در ساده‌ترین حالت، وقتی هزینه حادثه (خسارات ناشی از حادثه) و هر دو اقدام پیشگیرانه به واحد پولی تعیین شود و هزینه حادثه ثابت باشد، هر شخص می‌تواند کم‌هزینه‌ترین ترکیب اقدام پیشگیرانه و احتمال حادثه را تعیین نماید. شکل زیر نشان‌دهنده استاندارد تولید است.

اقدامات پیشگیرانه زیان رساننده



در شکل فوق، محصول اقدامات پیشگیرانه ایست که به سمت بالا و راست در حال افزایش است. هر یک از منحنی های همگون شکل نشان دهنده ترکیبات مختلف اقدامات پیشگیرانه است؛ تمامی ترکیبات اقدامات پیشگیرانه ای که بر روی یک منحنی واقع است، نشان دهنده سطح برابری از پرهیز از حادثه است. در این نمودار خطوط مستقیم نشان دهنده هزینه ترکیبات اقدامات پیشگیرانه است؛ هزینه ترکیبات مختلف اقدامات پیشگیرانه ای که روی یک خط قرار دارند با یکدیگر برابرند. ترکیب بهینه، در نقطه ایست که خط نشان دهنده هزینه و منحنی نشان دهنده اقدام پیشگیرانه مماس باشد. در این نقطه هزینه نهایی آخرین اقدام پیشگیرانه با منفعت نهایی پرهیز از وقوع حادثه برابر است. در حقیقت از دیدگاه اقتصادی نئوکلاسیک، نقطه بهینه تولید جایی است که هزینه نهایی هر واحد تولید با منفعت حاصل از آن برابر باشد؛⁵ پس منابع تولیدی باید به گونه ای با هم ترکیب شوند که هزینه ناشی از تولید با منفعت ناشی از آن برابر باشد؛ در اینجا منابع تولیدی اقدامات پیشگیرانه ایست که زیان دیده و زیان رساننده به کار می گیرند و محصول پرهیز از حادثه است (Brown, 1973:324)، منفعت نهایی نیز عبارت از کاهش احتمال وقوع حادثه است. پس ترکیب بهینه آن ترکیبی است که در آن

هزینه تولید- هزینه اقدامات پیشگیرانه- برابر با ارزش کاهش احتمال وقوع حادثه باشد. در سطحی پایین تر از سطح بهینه، منفعت نهایی ناشی از آخرین اقدام پیشگیرانه بیشتر از هزینه نهایی آن اقدام پیشگیرانه است. هنگامی که سطحی پایین تر از سطح مناسب اقدام پیشگیرانه اتخاذ شود، می توان گفت اقدام پیشگیرانه بیشتری می توانست به کار گرفته شود و می بایست اتخاذ می گردید، لکن طرفین حادثه به این صورت عمل نکرده اند (Brown, 2002:35-36).

با توجه به مطالب بالا می توان گفت، اقدام پیشگیرانه اقتصادی به اقدامی اطلاق می شود که هزینه اجتماعی کل را کاهش دهد. بنابراین قاعده مسئولیت در صورتی کارآمد است که طرفین را به اتخاذ اقدام پیشگیرانه ای سوق دهد که هزینه کل را به حداقل می رساند. به علاوه قاعده مسئولیت باید به گونه ای باشد که طرفین حادثه اقدام پیشگیرانه ای اتخاذ نمایند که برابر با سطح احتیاط مقتضی باشد؛ چرا که اتخاذ احتیاط فراتر از سطح مزبور فایده ای در بر ندارد.

حد مطلوب رفاه اجتماعی: رفتارهایی بهینه است که منعکس کننده امکانات مشترک طرفین حادثه برای کاهش خطرات حادثه و هزینه های احتیاطشان باشد. برای درک بهتر مطلب مثال زیر را ملاحظه نمایید:

همان طور که در جدول نشان داده شده است احتمال وقوع حادثه ای که زیانی معادل 100 واحد در بردارد، به ترکیبات احتمالی مختلف سطوح احتیاط که به وسیله زیان رسانندگان و زیان دیدگان اتخاذ می گردد، بستگی دارد. آخرین ستون جدول مبین این نکته است که اتخاذ احتیاط برای هر دو طرف مطلوب است. مطلوبیت مزبور بدین خاطر است که اگر برای مثال تنها زیان رسانندگان اقدامات پیشگیرانه را اتخاذ نمایند، زیان های مورد انتظار برابر با 10 واحد خواهد بود، در حالی که اگر زیان دیدگان اقدامات پیشگیرانه ای که 2 واحد هزینه دارد، به کار گیرند، زیان های مورد انتظار به 4 واحد تقلیل می یابد؛ در نتیجه هزینه های اجتماعی مطلق در صورتی که هر دو طرف اقدام پیشگیرانه اتخاذ نمایند کاهش می یابد. به همین ترتیب در صورتی که تنها زیان دیده احتیاط نماید، هزینه های مورد انتظار

بیش از زمانی است که زیان رساننده نیز اقدام پیشگیرانه به کار گیرد
 (Shavell,2004:182-183)(Shavell,2007:10-11) . بنابراین باید پذیرفت سطح مطلوب رفاه اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که هر دو طرف به اتخاذ اقدام پیشگیرانه اقدام نمایند.⁶

احتیاط زیان رساننده	احتیاط زیان دیده	هزینه احتیاط زیان رساننده	هزینه احتیاط زیان دیده	احتمال وقوع حادثه	هزینه‌های مورد انتظار	هزینه‌های اجتماعی مطلق
عدم احتیاط	عدم احتیاط	0	0	15%	15	15
عدم احتیاط	احتیاط	0	2	12%	12	14
احتیاط	عدم احتیاط	3	0	10%	10	13
احتیاط	احتیاط	3	2	6%	6	11

اینک با عنایت به مطالب بالا به تحلیل قواعد مسئولیت می‌پردازیم:

3-1. عدم مسئولیت

قاعده عدم مسئولیت بدین معناست که زیان دیده نمی‌تواند از زیان رساننده خسارتی دریافت نماید. در صورت حاکم بودن این قاعده زیان رساننده انگیزه‌ای جهت اتخاذ اقدام پیشگیرانه‌ای که از وقوع حادثه جلوگیری کند، ندارد (Brown,1973:338) ؛ در مقابل با این فرض که زیان رساننده اقدام پیشگیرانه‌ای به کار نمی‌گیرد، زیان دیده به اتخاذ اقدام پیشگیرانه مبادرت می‌نماید (Brown,2003:38). در مثال بالا زیان دیده احتیاط می‌کند چرا که با

هزینه‌ای معادل 2 واحد زیان‌های حادثه مورد انتظار را از 15 واحد به 12 واحد تقلیل می‌دهد (Shavell, 2007: 11) (Shavell, 2004: 184).

بدون تردید قاعده عدم مسئولیت کارآمد نیست (Miceli, 1997: 18) (Miceli, 2004: 47)؛ چرا که به اتخاذ اقدام پیشگیرانه اقتصادی منتهی نمی‌گردد، اقدام پیشگیرانه اقتصادی به اقدامی گفته می‌شود که از وقوع حادثه به احتمال قوی جلوگیری نماید و این امر در حوادث دو جانبه مستلزم احتیاط هر دو طرف است، در حالی که تحت قاعده بالا زیان رسانندگان انگیزه‌ای به اتخاذ احتیاط ندارند. به علاوه قاعده بالا اهداف مسئولیت مدنی از دید تحلیل اقتصادی را محقق نمی‌کند: هزینه‌ها درونی نمی‌شود، بازدارندگی تحقق نمی‌یابد و هزینه‌های اجتماعی مطلق نیز با سطح مطلوب اجتماعی فاصله دارد.

2-3. مسئولیت محض

قاعده بالا بدین معناست که زیان رساننده در هر حال ملزم به جبران خسارت زیان دیده است؛ در نتیجه زیان دیده انگیزه‌ای برای اتخاذ اقدام پیشگیرانه ندارد. در مقابل با این فرض که زیان دیده هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای به کار نمی‌گیرد، زیان رساننده به اتخاذ اقدام پیشگیرانه مبادرت می‌نماید (Brown, 1973: 338). در مثال بالا زیان رسانندگان احتیاط می‌نمایند زیرا بدین وسیله و با تحمل هزینه‌ای معادل 3 واحد، مسئولیت مورد انتظارشان را از 15 واحد به 10 واحد تقلیل می‌دهند. بدیهی است قاعده بالا نیز کارآمد نمی‌باشد (Miceli, 1997: 18) (veljanovski, 2007: 205) (Brown, 2003: 38)؛ چرا که به تحقق اهداف مسئولیت مدنی منتهی نمی‌گردد (Faure, 2009: 19)، به علاوه اقدام پیشگیرانه اقتصادی نیز اتخاذ نمی‌شود و در نتیجه احتمال وقوع حادثه بالاست.⁷

3-3. مسئولیت محض با دفاع مشارکت در تقصیر⁸

قاعده بالا بدین معناست که زیان رساننده مسئول جبران خسارات وارده به زیان دیده است مگر آنکه ثابت نماید زیان دیده اقدام پیشگیرانه مناسب اتخاذ نکرده است. منظور از اقدام پیشگیرانه مناسب همان سطح مطلوب احتیاط است. در صورتی که احتیاط زیان دیده کمتر از سطح مناسب باشد، گفته می‌شود که زیان دیده مرتکب تقصیر گردیده و باید هزینه‌های تقصیر خود را متحمل شود. در صورتی که دادگاه‌ها سطح احتیاط مناسب برای زیان دیدگان را معادل سطح احتیاط مطلوب اجتماعی تعیین نمایند، زیان دیدگان و زیان رسانندگان سطح احتیاط مناسب و سطح احتیاط مطلوب اجتماعی را اعمال می‌نمایند (Faure, 2009: 20) و نتیجه مطلوب اجتماعی حاصل می‌شود. اثبات صحت گفته پیشین چندان دشوار نیست: در صورتی که زیان دیدگان احتیاط مناسب را اعمال نمایند، زیان زندگان نیز سطح مطلوب احتیاط را به کار می‌گیرند؛ چرا که در غیر این صورت متحمل زیان‌های ناشی از حادثه خواهند بود. (در صورتی که دوچرخه سواران احتیاط مناسب اتخاذ نمایند، رانندگان اتومبیل نیز احتیاط مطلوب را به کار می‌گیرند؛ چرا که در غیر این صورت متحمل زیان‌های ناشی از حادثه می‌گردند.) به علاوه باید توجه داشت که زیان دیدگان به طور قطع به اتخاذ سطح احتیاط مناسب مبادرت می‌نمایند؛ زیرا بدین ترتیب متحمل زیان‌های ناشی از حادثه نمی‌گردند (Shavell, 2007: 12-13) (Shavell, 2004: 184-185). مثال پیشین به روشنی مطالب بالا را اثبات می‌نماید؛ چرا که زیان رسانندگان با اتخاذ احتیاطی که 3 واحد هزینه در بردارد مسئولیت مورد انتظار خود را از 12 واحد به 6 واحد تقلیل می‌دهند و در این حالت زیان دیدگان نیز به اتخاذ احتیاط مناسب که 2 واحد هزینه دارد تشویق می‌شوند؛ چرا که در غیر این صورت متحمل هزینه‌ای برابر با 10 واحد می‌شوند (veljanovski, 2007: 206).

قاعده بالا به تعادل کارآمد منتهی می‌گردد: (Polinsky & Shavell, 2007: 144-145)، زیرا هر دو طرف انگیزه لازم جهت اتخاذ اقدام پیشگیرانه اقتصادی

دارند؛ به علاوه موجب بازدارندگی نیز می‌شود و هزینه‌های اجتماعی مطلق را تا حد امکان کاهش می‌دهد. هم چنین به درونی شدن هزینه‌های ناشی از حادثه منتهی می‌گردد. با این همه نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که تحقق موارد مذکور منوط به این است که دادگاه‌ها در تعیین سطح احتیاطی که به وسیله زیان دیده باید اتخاذ گردد مرتکب اشتباه نشود.

3-4. مسئولیت محض با دفاع تقصیر نسبی⁹

به موجب این قاعده، همانند قاعده پیشین، زیان رساننده مسئول خسارات ناشی از حادثه ایست که ایجاد نموده، اگر زیان دیده احتیاط مناسب اتخاذ کرده باشد. در مقابل در صورتی که زیان دیده احتیاط مناسب اتخاذ نکند، متحمل هزینه‌های حادثه می‌گردد؛ لکن در اینجا بر خلاف حالت پیشین، زیان دیده به علت عدم رعایت احتیاط مناسب، و به دیگر بیان به دلیل تقصیر، تمامی هزینه‌های حادثه را متحمل نمی‌شود، بلکه نسبتی از هزینه را عهده دار می‌شود. نسبت مزبور از مقایسه میزان احتیاطی که زیان دیده اعمال نموده نسبت به سطح احتیاط مناسب بدست می‌آید. در صورت تحقق دو شرط زیر زیان دیدگان به اتخاذ احتیاط مناسب تشویق می‌شوند و زیان رسانندگان به اتخاذ سطح احتیاط مطلوب اجتماعی رهنمون می‌گردند:

1. نسبت بالا به اندازه کافی بزرگ باشد؛ و 2. دادگاه‌ها سطح احتیاط مناسب را

برابر با سطح احتیاط مطلوب اجتماعی تعیین نمایند (Shavell, 2007: 14).

همان طور که ملاحظه می‌گردد در صورت تحقق دو شرط بالا اقدام پیشگیرانه اقتصادی اتخاذ می‌شود؛ چرا که زیان دیده با توجه به اینکه زیان رساننده به اتخاذ سطح احتیاط مطلوب اجتماعی اقدام نموده است، جهت رهایی از تحمل هزینه‌های حادثه انگیزه لازم برای اتخاذ سطح احتیاط مناسب دارد؛ در نتیجه قاعده مزبور به احتمال قوی از وقوع حادثه در آینده جلوگیری می‌نماید. به علاوه هزینه‌های حادثه

درونی شده و هزینه‌های اجتماعی مطلق نیز تا حد امکان تقلیل میابد. بنابراین می‌توان پذیرفت قاعده مزبور کارآمد است.

3-5. تقسیم محض زیان‌های ناشی از حادثه¹⁰

قاعده بالا بدین معناست که هر یک از زیان‌زندگان و زیان‌دیدگان متحمل کسری مثبت از خسارات ناشی از حادثه شوند. کسر مزبور صرف نظر از سطح احتیاطی که آن‌ها اتخاذ کرده‌اند تعیین می‌گردد. به علاوه تحمل کسر مزبور، مستقل از تقصیر یا عدم تقصیر طرفین حادثه است و به همین علت این قاعده محض نامیده می‌شود. قاعده فوق به حد مطلوب رفاه اجتماعی منتهی نمی‌گردد (Faure, 2009: 19-20)؛ چرا که در این شکل مسوولیت، زیان دیده و زیان‌زننده ممکن است عرفاً به اندازه کافی جانب احتیاط را رعایت نکرده باشند و در نتیجه هر یک سهمی در خسارات وارد شده داشته باشند. در این حالت میزانی از خسارت که آن‌ها با احتیاط خود از وارد آمدنش جلوگیری کرده‌اند تنها بخشی از کل خسارتی است که با رعایت جانب احتیاط از وارد آمدنش جلوگیری می‌شد، بنابراین انگیزه آنان برای احتیاط عرفاً ناکافی بوده است.

فرض نمایید در مثال بالا هر یک از زیان‌زندگان و زیان‌دیدگان متحمل نیمی از زیان‌های ناشی از حادثه گردند. در این حالت هیچ یک از طرفین احتیاط نخواهند کرد. جهت اثبات این مطلب ابتدا تصور نمایید زیان‌زندگان، به این علت که زیان‌دیدگان احتیاط نکرده‌اند، تمایلی به اتخاذ احتیاط ندارند. زیان‌زندگان در صورت عدم احتیاط زیان‌دیدگان، با اتخاذ احتیاط، مسئولیت مورد انتظار خود را از $7/5 = 15\% * 50$ به $5 = 10\% * 50$ کاهش می‌دهند؛ با این وجود از آنجا که احتیاط معادل سه واحد برای آن‌ها هزینه دارد، احتیاطی به کار نمی‌گیرند. حال تصور نمایید زیان‌دیدگان، با این فرض که زیان‌زندگان احتیاط نخواهند کرد، تمایلی به اتخاذ احتیاط ندارند. زیان‌دیدگان در صورت عدم احتیاط زیان‌زندگان، با اتخاذ احتیاط، مسئولیت مورد انتظار خود را از $7/5 = 15\% * 50$ به $6 = 12\% * 50$ کاهش

می‌دهند؛ لکن از آنجا که احتیاط معادل دو واحد برای آن‌ها هزینه در بردارد، اتخاذ احتیاط را مقرون به صرفه نمی‌دانند.

تبدیل سهم تحمیل شده بر زیان زننده ممکن است که به حل مسئله منجر نشود. در این مثال چنانچه سهم زیان زننده اساساً بیش از پنجاه درصد باشد او برای حفظ جانب احتیاط ترغیب خواهد شد اما این مسئله موجب کمتر شدن هرچه بیشتر زیان دیده در رعایت جانب احتیاط خواهد شد. به عبارت دیگر چنانچه سطح مسوولیت ضرر زننده بیش از پنجاه درصد باشد انگیزه او برای احتیاط کردن بیشتر ولی انگیزه زیان دیده کمتر خواهد شد. بنابراین چه در این مثال و چه در حالت کلی هیچ تخصیص جادویی که بتواند به صورت هم‌زمان انگیزه هر دو طرف را برای احتیاط بیشتر مضاعف نماید وجود ندارد (Shavell, 2007:11).

3-6. قاعده تقصیر

وفق قاعده تقصیر در صورتی زیان رساننده موظف به جبران خسارات ناشی از حادثه است که مقصر باشد. به منظور تحلیل قاعده تقصیر از تئوری بازی استفاده می‌شود. همان گونه که اشاره رفت، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تئوری بازی تعادل است. تعادل برآیند کنش و واکنش بازیگران است؛ بنابراین در این جا تعادل برآیند اقدامات پیشگیرانه ایست که طرفین انتخاب می‌نمایند، تعادل زمانی حاصل می‌شود که هیچ یک از طرفین جهت تغییر انتخاب خود، انگیزه‌ای نداشته باشد. تعادل ایجاد شده زمانی کارآمد است که هزینه کل (هزینه اقدام پیشگیرانه + هزینه مسئولیت حادثه) در کم‌ترین سطح خود باشد. به منظور نشان دادن این مطلب که به موجب قاعده تقصیر تعادل ایجاد شده کارآمد است، باید هزینه‌ای را که هر یک از طرفین متحمل می‌شود، به عنوان تابعی از سطح اقدام پیشگیرانه او در نظر گرفت (دادگر، اخوان هزاوه، 435:1389)؛ هم چنین باید توجه داشت سطح اقدام پیشگیرانه‌ای که هر یک از طرفین اتخاذ می‌نماید منوط است به میزان اقدام

پیشگیرانه‌ای که طرف دیگر به کار بسته است. بنابراین تابع زیان رساننده نشان دهنده کم هزینه‌ترین پاسخ او به هر سطحی از اقدام پیشگیرانه ایست که به وسیله زیان دیده اتخاذ گردیده است. به همین ترتیب تابع زیان دیده نیز نشان دهنده کم هزینه‌ترین پاسخ او به هر سطحی از اقدام پیشگیرانه ایست که زیان زننده اتخاذ کرده است. با توجه به آنچه بیان گردید می‌توان گفت در صورتی که محاکم احتیاط مقتضی را معادل سطح مطلوب اجتماعی تعیین کنند، احتیاطی که زیان رسانندگان اتخاذ می‌نمایند برابر احتیاط مقتضی خواهد بود. در این حالت زیان دیدگان نیز به اتخاذ سطح مطلوب احتیاط رهنمون می‌شوند (Faure, 2009:17-18): چرا که در غیر این صورت تحمل زیان‌های ناشی از حادثه بر عهده آن‌ها خواهد بود. بدین ترتیب زمانی که قاعده تقصیر حاکم باشد زیان رساننده و زیان دیده به انتخاب کارآمدترین ترکیب اقدامات پیشگیرانه رهنمون می‌شوند (Brown, 2003:39) (Miceli, 2004:48) (Miceli, 1997:18-19) (40). ملاحظه مثال بالا، درستی ادعای فوق را اثبات می‌نماید. فرض کنید احتیاط مقتضی برای زیان رسانندگان معادل احتیاط مطلوب باشد. در این حالت اگر زیان رسانندگان احتیاط مقتضی را اعمال نمایند و در مقابل زیان دیدگان این سطح از احتیاط را اتخاذ نمایند، مسئولیت مورد انتظار زیان رسانندگان معادل 12 واحد خواهد بود. به همین دلیل زیان رسانندگان جهت احتیاط بیشتر، 3 واحد هزینه می‌نمایند و بدین ترتیب از تحمل مسئولیتی برابر با 12 واحد اجتناب می‌نمایند. در فرض اخیر، زیان دیدگان نیز به اعمال احتیاط مقتضی رهنمون می‌گردند؛ چرا که با صرف 2 واحد هزینه بیشتر، زیان‌های خود را از 10 واحد به 6 واحد کاهش می‌دهند؛ در نتیجه اتخاذ احتیاط مقتضی برای آنان هزینه کمتری به همراه خواهد داشت (Shvell, 2007:221&14).

با عنایت به مطالب فوق، باید پذیرفت که قاعده تقصیر به تعادل کارآمد منتهی می‌گردد (Polinsky & Shavell, 2007:145) و اهداف مسئولیت مدنی را تحقق می‌بخشد.

7-3. قاعده تقصیر با دفاع مشارکت در تقصیر¹¹

قاعده بالا بدین معناست که زیان رساننده مسئول زیان‌های ناشی از حادثه است اگر احتیاط مقتضی را اعمال نکرده باشد و در مقابل زیان دیده احتیاط مقتضی را اتخاذ نموده باشد. به دیگر بیان، اگر زیان دیده در اتخاذ احتیاط مقتضی کوتاهی نماید، زیان رساننده مسئول زیان‌های ناشی از حادثه نخواهد بود، خواه احتیاط مقتضی را اعمال نموده باشد خواه در انجام این کار کوتاهی کرده باشد (Shavell, 2007:14).

تحت حکومت این قاعده نیز، در صورتی که دادگاه‌ها سطح احتیاط مقتضی را برابر با سطح مطلوب اجتماعی تعیین نمایند، زیان دیدگان و زیان رسانندگان احتیاط مقتضی را اعمال خواهند نمود و بنابراین نتیجه مطلوب اجتماعی، که همان به حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی مطلق است، حاصل خواهد شد. وفق این قاعده در صورتی که زیان دیده احتیاط مقتضی را اعمال نموده باشد، زیان رساننده نیز به اتخاذ احتیاط مقتضی مبادرت می‌نماید؛ چرا که در غیر این صورت مسئول زیان‌های ناشی از حادثه خواهد بود. در صورت اعمال قاعده بالا، زیان دیده نیز به سمت اتخاذ احتیاط مقتضی رهنمون می‌گردد، زیرا در صورتی که زیان رساننده احتیاط مقتضی را اعمال نموده باشد متحمل خسارات ناشی از حادثه خواهد شد و به منظور کاهش هزینه‌های خود، احتیاط مقتضی را به کار خواهند گرفت. در واقع به موجب این قاعده زیان دیده متحمل خسارات ناشی از حادثه می‌گردد، مگر آن که زیان رساننده مقصر باشد و زیان دیده تقصیری نداشته باشد که در این حالت هزینه حادثه بر عهده زیان رساننده خواهد بود. این بدین معناست که اگر زیان رساننده از سطح احتیاط مقتضی استفاده ننموده باشد و زیان دیده سطح احتیاط مقتضی را به کار گرفته باشد، زیان دیده برای خسارات وارد آمده هزینه‌ای نمی‌پردازد و در نتیجه انگیزه‌ای برای اتخاذ اقدام پیشگیرانه فراتر از سطح احتیاط مقتضی نخواهد داشت. به همین ترتیب در صورتی که زیان رساننده سطح احتیاط مقتضی را اعمال نموده باشد، متحمل خسارات ناشی از حادثه نخواهد شد و در

نتیجه انگیزه کافی جهت اتخاذ اقدام پیشگیرانه برابر با سطح احتیاط مقتضی خواهد داشت (veljanovski, 2007:204) (Brown, 2003:40). قاعده فوق به تعادل کارآمد منتهی می‌گردد (Polinsky & Shavell, 2007:145)، زیرا هر دو طرف سطح بهینه احتیاط را اعمال می‌نمایند (Faure, 2009:18)؛ با این وجود در صورتی که زیان دیده احتیاطی کمتر از احتیاط مقتضی اعمال نماید و زیان رساننده از این امر آگاهی داشته باشد، تعادل مزبور از بین می‌رود، زیرا در این حالت زیان زننده انگیزه‌ای به اتخاذ احتیاط پیشگیرانه اقتصادی نخواهد داشت و احتیاط او برابر با صفر خواهد بود و به دلیل تمسک به دفاع تقصیر مشارکتی مسئولیتی بر عهده ندارد (Miceli, 1997:19). به نظر می‌رسد جهت نیل به اهداف تحلیل اقتصادی نیازی به قاعده مذکور نباشد. زیرا همان طور که بیان گردید، تحت قاعده تقصیر زیان دیدگان و زیان رسانندگان به اتخاذ احتیاط مقتضی رهنمون می‌شوند، در نتیجه جهت ترغیب طرفین حادثه به اتخاذ احتیاط مقتضی نیازی به قاعده فوق‌الاشعار نیست (Shavell, 2007:15) (Shavell, 2004:221).

4. نتیجه گیری

در این نوشتار تلاش گردید با توجه به نظریه بازی و نظریه اقتصادی استاندارد تولید (دیدگاه نئوکلاسیک) قواعد مسئولیت مدنی تحلیل شود. در این تحلیل دو نظریه مسئولیت محض، تقصیر و شقوق آن دو مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل انجام شده به این نتیجه منتهی گردید که اگر دادگاه‌ها سطح احتیاط مقتضی را برابر با سطح مطلوب اجتماعی تعیین نمایند قاعده تقصیر و شقوق مختلف آن و نیز قاعده مسئولیت محض با دفاع مشارکت در تقصیر به نتیجه مطلوب اجتماعی و تحقق اهداف مسئولیت مدنی منتهی می‌گردد. تحت قواعد مزبور زیان دیده و زیان رساننده انگیزه کافی جهت اعمال احتیاط مطلوب را خواهند داشت؛ زیرا به این ترتیب یا از تحمل زیان‌های حادثه معاف می‌شوند یا زیان‌هایی که باید متحمل شوند کاهش می‌یابد. به این ترتیب قواعد یاد شده به تعادل کارآمد منتهی می‌شود.

یادداشت‌ها

1. در حقوق انگلستان، قاعده اصلی مسئولیت، تقصیر است:

See: Cento Veljanovski, Economic Principle of Law, New York, Cambridge University Press, 2007, p.185.

در حقوق فرانسه تمایل بر استقرار قاعده مسئولیت محض است:

See: Michael Faure, Tort Liability in France: an introductory Economic analysis, The Economic of Legal Relationship: Law & Economic in Civil Law Countries, Bruno Deffains & Thierry Kirat, Ist, London, Elsevier Science B.V, 2001, p.173.

2. به طور کلی در تحلیل های اقتصادی جهت سهولت در بررسی مسائل و ساختن مدل،

برخی از فاکتورها ثابت فرض می‌شوند و اثر برخی از آن‌ها نادیده انگاشته می‌شود.

3. Game Theory & Standard Economic Theory of Production.

4. Nash Equilibrium.

5. به دیگر بیان اقدام پیشگیرانه زمانی کارآمد است که $MC=MB$:

See: Micheal Faure, Op Cit, p.177.

6. یکی از طرقی که به وسیله آن می‌توان طرفین را به اتخاذ اقدام پیشگیرانه کارآمد

سوق داد این است که زیان زننده را به پرداخت تمام خساراتی که به بار آورده است اجبار

نماییم، لیکن این خسارت به زیان دیده پرداخت نگردد، در این حالت هر دو طرف به اقدام

پیشگیرانه کارآمد تمسک می‌جویند: برای مثال جزای نقدی یا نظام مالیاتی حاکم بر بازار

چنین کارکردی دارد. با این وجود این ساختار با ذات مسئولیت مدنی سازگار نیست؛ زیرا در

مسئولیت مدنی آنچه زیان زننده پرداخت می‌نماید به زیان دیده اعطاء می‌شود.

Cited in: Thomas J. Miceli, The Economic Approach to Law, p.47

7. با این وجود برخی از تحلیل گران حقوق و اقتصاد معتقدند در حوادث دو جانبه ای

که تأثیر فعالیت زیان زننده در وقوع حادثه بیش از زیان دیده است، قاعده مسئولیت محض،

قاعده کارآمد است:

Michael Faure, Tort Liability in France: an introductory Economic analysis, p.173.

8. Strict liability with the defense of contributory negligence.

ماده 336 قانون مجازات اسلامی منعکس کننده قاعده مزبور است: "هر گاه در اثر برخورد

دو سوار، وسیله نقلیه آن‌ها مانند اتومبیل خسارت ببیند، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو

نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت وسیله

نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان

تقصیر آن‌ها مساوی با متفاوت باشد و اگر یکی از آن‌ها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است."

9. *Strict liability with the defense of relative negligence.*

10. *Strict division of accident losses.*

11. تأسیس قاعده تقصیر با دفاع مشارکت در تقصیر به دعوی *Brown V. Kendall*

(1850) مرتبط می‌باشد. موضوع دعوا از این قرار ساست که سگ خواهان و خوانده در حال دعوا بودند در حالی که خوانده (زیان رساننده) در تلاش بود تا به وسیله چوب دو حیوان را از هم جدا نماید، به طور اتفاقی به چشم خواهان (زیان دیده) آسیب جدی وارد می‌نماید. دادگاه چنین مقرر نمود که خواهان نمی‌تواند خسارتی دریافت در صورتی که هنگام وقوع حادثه و ایجاد خسارت، خواهان و خوانده هر دو احتیاط مقتضی اعمال نموده باشند؛ یا در آن هنگام خوانده احتیاط مقتضی اعمال نموده باشد و خواهان در اتخاذ چنین احتیاطی قصور نموده باشد؛ یا هیچ یک از طرفین احتیاط مقتضی اعمال نکرده باشد.

Cited in: John P. Brown, Economic Theory of Liability Rules, p.39.
John Prather Brown, Toward an Economic Theory of Liability, p.328.

منابع

فارسی:

1. کوتر، رابرت؛ یولن، تامس (1389). حقوق و اقتصاد، دادگر یداله،

اخوان هزاوه، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم .

2. وینتراب، روی (1387) اقتصاد نئو کلاسیک، مجله اقتصادی، ترجمه

دکتر سید حسین میرجلیلی، سال هشتم، شماره 81 و 82، 1387، تهران.

لاتین:

Books:

1) *Polinsky, A. Mitchell & Shavell, Steven (2007), Hand Book of Law and Economics, 1st, Vol1, London, Elsevier Science B. V.*

2) *Veljanovski, Cento (2007), Economic Principle of Law, New York, Cambridge University Press.*

3) *Brown, John P (2003), Economic Theory of Liability Rules, Donald A. Wittman, 1st, Massachusetts, Blackwell Publishing Limited.*

4) *Faure, Michael(2004), Tort Liability in France: an introductory Economic analysis, The Economic of Legal Relationship: Law & Economic in Civil Law Countries, Bruno Deffains & Thierry Kirat, London, Elsevier Science B.V.*

5) *Faure, Micheal(2009), Tort Law and Economic, Encyclopedia of Law and Economics, 2nd, Massachusett, Edwar Elgar Publishing Limited.*

6) *Shavell, Steven(2007), Economic Analysis of Accident Law, Massachussets, Harvard University Press.*

7) *Shavell, Steven(2004), Foundations of Economic Analysis of Law, 1st, Massachussets, Harvard University Press.*

8) *Miceli, Thomas J(1997), Economic of the Law: Torts, Contracts, Property and Litigation, New York, Oxford University Press.*

9) *Miceli, Thomas J(2004), The Economic Approach to Law, 1st, California, Standford University press.*

Articles:

1) *Brown, John Prather(1973), Toward an Economic Liability Rule, The Journal of Legal Studies, Vol2, No.2, Chicago, Chicago University Press.*

2) *Zheng, Mingli(Dec 2001), Liability Ruls and Evolutionary Dynamics, Journal of Institotional and Theoretical Economics University of Toronto.*